



۱ بیمارستان نزدیک خانه‌ی طیب بزرگ شهر ساخته شد. ✗ نادرست

۲ پس از جمع آوری گوشت‌ها، طیب متوجه شد که تمامی گوشت‌ها خشکیده و فاسد شده‌اند. ✗ نادرست

۳ هوشمندی طیب باعث شد تا مشکل آن شهر حل شود. ✓ درست

۴ طیب، گوشت‌ها را برای شناسایی محل مناسبی جهت ساخت بیمارستان می‌خواست. ✓ درست

۵ محمد تا چیزی را نمی‌فهمید، به سادگی از آن دست نمی‌کشید. ✓ درست



- ۱ چرا طبیب برای تعیین مکان بیمارستان، چند تکه گوشت تازه خواست؟ برای ستفیهی مکان با کزه در
- ۲ به نظر پزشک، بیمارستان باید در چه مکانی ساخته می شد؟ در مکانی که هوای پاکتری داشته باشد
- ۳ طبیب بزرگ در جوانی، چگونه می خواست دنیای خود را بهتر بشناسد؟ با خواندن کتاب های تازه
- ۴ تفاوت طبیب با سایر مردم در یافتن مکان بیمارستان چه بود؟ سایر مردم فقط به فکر خرد و راحتی خود بودند ولی طبیب به فکر بقیه بود.
- ۵ با توجه به متن درس، جمله ها را به ترتیب رویدادها، شماره گذاری کنید.

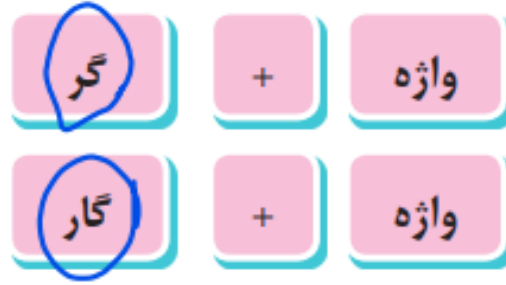
۲ گوشت ها را در چند نقطه ی شهر از شاخه ی درخت آویزان کردند.

۱ بزرگان شهر، پس از پرس و جو و گفت و گو، تصمیم گرفتند که نظر طبیب بزرگ شهر را بپرسند.

۳ چند روز دیگر به شما خواهیم گفت، بهترین جا برای ساختن بیمارستان کجاست.

۴ بعضی از گوشت ها خشکیده و بعضی فاسد و بدبو شده بودند.

۵ آن نقطه ی شهر که این گوشت در آن آویزان بوده است، هوای پاکیزه تری دارد.



حالا تو بگو

■ کارگر:

■ آموزگار:

■ صنعتگر:

■ بهمنبر:

یادگار:

سازگار:

ماندگار:

رستگار:

خوابگار:

.....

.....

.....

.....

